info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۰۴
یکشنبه / ۵ امرداد / ۱۴۰۴
۲ / صفر / ۱۴۴۷
27 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

نقدها را بُود آیا که عَیاری گیرند؟
تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند
مصلحت دید من آن است که یاران همه کار
بگُذارند و خَم طُرّه یاری گیرند

کعبه دل مسکن شیطان مکن
پاک کن این خانه که جای خداست
پروین اعتصامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۳۲	۰۵:۱۰	۱۲:۱۲	۱۹:۱۴	۱۹:۳۴

برگه

زندگی کمدی است، برای کسی که فکر می‌کند و تراژدی است برای کسی که احساس می‌کند...
ویلیام شکسپیر

اشاره

«کرونا» مغز مردم را «پیر» کرده است

بررایه‌ی یافته‌های جدید، زندگی در ماه‌های ابتدایی همه‌گیری برای تسریع روند پیری مغز کافی بوده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرادید، مواجهه با تجربیات و روزهای سخت می‌تواند احساسی در ما ایجاد کند که گویی در عرض چندماه، چند دهه پیر شده‌ایم دو سه سالی که با همه‌گیری کووید۱۹- همراه بود، بدون تردید برای بسیاری از ما همین احساس را ایجاد کرد. اکنون یک پژوهش جدید نشان داده که ممکن است این احساس در واقعیت درست باشد. همه‌گیری در واقع مغز انسان‌ها را پیر کرده حتی مغز کسانی که هرگز به ویروس کرونا مبتلا نشده‌اند.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، این نتایج جنجالی نظرات متفاوتی را میان کارشناسان به همراه داشت، اما همه آن‌ها در یک نکته توافق نظر دارند: این پژوهش شایستگی بررسی دقیق‌تر است.

این پژوهش توسط دکتر علی‌رضا محمدی‌نژاد از دانشگاه ناتینگهام رهبری شده است. تیم پژوهشی او مدل‌های یادگیری ماشینی را با داده‌های بیش از ۱۵۰۰۰ شرکت‌کننده سالم از بانک اطلاعاتی عظیم UK Biobank آموزش دادند. سپس این مدل‌های آموزش‌دیده را روی اسکن‌های مغزی ۹۹۶ نفر دیگر اعمال کردند. این ۹۹۶ نفر به دو گروه تقسیم شدند: گروه کنترل (۵۶۴ نفر) که مغزشان دو بار پیش از همه‌گیری اسکن شده بود و گروه «همه‌گیری» (۴۳۲ نفر) که یک بار پیش از کووید و بار دوم پس از آغاز همه‌گیری اسکن مغزی شدند.

پژوهشگران با مقایسه‌ی این دو اسکن برای هر فرد، به دنبال نشانه‌های تغییراتی بودند که ممکن است پیری شتاب‌گرفته‌ی مغز را نشان دهد؛ از جمله کاهش حجم ماده خاکستری و سفید مغز.

در گروه «همه‌گیری»، تفاوت‌های قابل‌توجهی میان اسکن‌های پیش‌وپس از همه‌گیری مشاهده شد که حاکی از پیری سریع‌تر مغز بود. این تغییرات حتی در افرادی که در زمان اسکن دوم هنوز به کووید مبتلا نشده بودند هم دیده شد. به بیان دیگر، خود بیماری مقصر اصلی نبود. نویسندگان باور دارند لزوماً احتمال در زندگی روزمره و استرس‌های سال ۲۰۲۰ ممکن است ساختار مغز را تغییر داده باشد.

آن‌ها می‌نویسند: «یافته‌های ما دیدگاه ارزشمندی درباره‌ی تأثیر همه‌گیری کووید۱۹- بر سلامت مغز ارائه می‌دهند و نشان می‌دهند اثرات کلی ناشی از همه‌گیری، حتی بدون ابتلا، تأثیر مخربی بر سلامت مغز در جمعیت سالم میانسال و سالمند داشته.»

البته این به معنای بی‌تأثیر بودن خود ویروس نیست. کسانی که بین دو اسکن سابقه ابتلا به کووید داشتند، کاهش در برخی توانایی‌های شناختی از جمله سرعت پردازش ذهنی داشتند، کاهشی که در افراد بدون سابقه‌ی بیماری دیده نشد.

پیش از آنکه نگران شوید، مهم است بدانید این نتایج چه چیزی را نشان نمی‌دهند و محدودیت‌های چنین پژوهشی چیست.

پروفسور مسعود حسین از دانشگاه آکسفورد که عضو تیم پژوهشی نبود، گفته: «گرچه این تحلیل با دقت بالا انجام شده، در تفسیر نتایج باید با احتیاط عمل کرد. تفاوت سن مغز بین دو گروه (برپایه اسکن) به طور متوسط تنها ۵ ماه بوده و تفاوت در عملکرد شناختی تنها زمان تکمیل یکی از آزمون‌ها دیده شده. آیا این به راستی در زندگی روزمره تفاوت قابل‌توجهی ایجاد می‌کند؟»

همه‌ی ما در روزهای ابتدایی همه‌گیری استرس زیادی را تجربه کردیم، پس منطقیست این شرایط اثرات عمیقی بر بدن ما گذاشته باشند، اما این به معنای فاجعه نیست.

نویسندگان پژوهش نیز اشاره کردند که نشانه‌های پیری مشاهده‌شده‌ی مغز، ممکن است همیشگی نباشند. نویسنده‌ی ارشد، پروفسور دوروتی آمو می‌گوید: «هنوز نمی‌توانیم بگوییم آیا این تغییرات برگشت‌پذیر هستند یا خیر. اما بدون شک فکر امیدوارکننده‌ای است.»

یافته‌های مربوط به افراد مبتلا به کووید۱۹- شاید آموزنده‌تر باشد. دانشمندان مدت‌هاست پذیرفته‌اند که کووید۱۹- چیزی فراتر از یک عفونت تنفسی معمولی است و می‌تواند بسیاری از اندام‌های بدن از جمله مغز را تحت تأثیر قرار دهد.

دکتر ماکسیم تکت از دانشگاه آکسفورد نیز گفته: «میان مبتلایان به کووید۱۹- افزایش سن مغز با نمرات پایین‌تر در آزمون‌های مهارت‌های شناختی مانند توجه و حل مسئله همبستگی داشت. این شاید توضیحی برای ضعف شناختی در برخی افراد پس از ابتلا به کووید باشد.»

او افزود: «همچنین ممکن است ارتباط مشاهده‌شده در اصل زیستی و ناشی از عفونت‌های شناسایی‌نشده باشد.» عفونت‌های بدون علامت یا ویروس SARS-CoV-2 رایج‌تر از آن چیزی هستند که در روزهای اول همه‌گیری درک شد و کمبود آزمایش‌ها شاید موجب شده بسیاری از موارد شناسایی نشوند. شاید کسانی که در این پژوهش سابقه ثبت‌شده‌ای از ابتلا نداشتند، به‌راستی در مقطعی، به کووید مبتلا شده بودند.»

این یافته‌ها به مجموعه‌ی رو به‌رشدی از این دانش می‌افزایند که چگونه بحران‌های جهانی مانند همه‌گیری‌ها می‌توانند سلامت ما را تحت تأثیر قرار دهند. حتی فراتر از اثرات مستقیم بیماری. نویسندگان دریافتند نتیجه گرفتند هرچند پژوهش‌های بیشتری لازم است، اما درس گرفتن از این تجربیات برای کاهش اثرات مشابه در آینده کاملاً ضروری است.

گزارش روز

ایران و هنرِ جنگاوری مدرن...

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، مدت زمان زیادی از جنگ ۱۲ روزه نمی گذرد. رویدادی که از منظر تحلیلگران و تئوریسین‌های حوزه نظامی و مسائل راهبردی، حامل نکات فراوانی بود و تقریباً از شمال تا جنوب اراضی اشغالی ایران توانسته مراکز حساس و راهبردی را هدف قرار دهد و ویرانی‌های جدی را به بار آورد. جالب اینکه تنها در یک مورد بعتی هدف قرار دادن مرکز پژوهشی ویزمن، برخی رسانه‌های اسرائیلی نوشتند که ایران با ویران کردن این مرکز که خسارت ناشی از آن بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده به صورت یکجا انتقام ترور دانشمندان هسته‌ای و چهره‌های علمی خود را از رژیم صهیونیستی گرفت.

همچنان در مورد آن بحث و تحلیل‌های مختلفی در این رابطه منتشر می شود. با این حال، یکی از نکاتی که حتی تحلیلگران صهیونیست و آمریکایی نیز بارها به آن اشاره کرده‌اند این بوده که ایران در قالب جنگ مذکور به خوبی هنر جنگاوری‌اش را به نمایش گذاشته است.

در واقع، تهران با نمایش تدریجی برخی توانمندی‌های خود، در نهایت، اصول مطلوبش را به اشغالگران اسرائیلی و البته متحدان غربی این رژیم تحمیل کرد و موجب شد تا آن‌ها گزینه‌ای جز آتش‌بس را پیش روی خود نبینند. وگرنه موجودیتی نظیر رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر آن بعتی بنیامین نتانیاهو، اگر راه را جلوی خود باز ببینند، محال است تا کسب اهداف حداکثری خود، از تجاوز دست بکشند و به آتش‌بس تن بدهند.

آنچه در این میان، در مورد هنر جنگاوری ایران باید مورد اشاره قرار گیرد، توانایی ایران در مدیریت آتش و تنش در نبرد با دشمن اسرائیلی است. از یاد نبریم عملیات وعده صادق ۳ که در موج‌های مختلف برگزار شد. عقب‌ماندگی دارد که آن را باید در عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ مشاهده کرد.

در قالب عملیات‌های مذکور، ایران پله پله ضربات مهلکی را به رژیم صهیونیستی تحمیل کرد. اصلی‌ترین پیام ایران در قالب دو عملیات مذکور به رژیم اشغالگر قدس این بود که گنبد آهنین هیچ امنیتی برای این رژیم در برابر موشک‌های ایرانی ایجاد نمی کند. با این حال، اسرائیل این گزاره را مورد توجه نداد و ابهام این رژیم در مورد توانمندی‌های موشکی ایران سبب شد تا در عملیات وعده صادق ۳، شاهد خلق تصاویر آخرالزمانی از هنرنمایی موشک‌های ایرانی در سرزمین‌های اشغالی باشیم.

تقریباً از شمال تا جنوب اراضی اشغالی، ایران توانسته مراکز حساس و راهبردی را هدف قرار دهد و ویرانی‌های جدی را به بار آورد. جالب اینکه تنها در یک مورد بعتی هدف قرار دادن مرکز پژوهشی ویزمن برخی رسانه‌های اسرائیلی نوشتند که ایران با ویران کردن این مرکز که خسارت ناشی از آن بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده به صورت یکجا انتقام ترور دانشمندان هسته‌ای و چهره‌های علمی خود را از رژیم صهیونیستی گرفت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، مدت زمان زیادی از جنگ ۱۲ روزه نمی گذرد. رویدادی که از منظر تحلیلگران و تئوریسین‌های حوزه نظامی و مسائل راهبردی، حامل نکات فراوانی بود و توانمندی‌های خود، در نهایت، اصول مطلوبش را به اشغالگران اسرائیلی و البته متحدان غربی این رژیم تحمیل کرد و موجب شد تا آن‌ها گزینه‌ای جز آتش‌بس را پیش روی خود نبینند. وگرنه موجودیتی نظیر رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر آن بعتی بنیامین نتانیاهو، اگر راه را جلوی خود باز ببینند، محال است تا کسب اهداف حداکثری خود، از تجاوز دست بکشند و به آتش‌بس تن بدهند.

آنچه در این میان، در مورد هنر جنگاوری ایران باید مورد اشاره قرار گیرد، توانایی ایران در مدیریت آتش و تنش در نبرد با دشمن اسرائیلی است. از یاد نبریم عملیات وعده صادق ۳ که در موج‌های مختلف برگزار شد. عقب‌ماندگی دارد که آن را باید در عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ مشاهده کرد.

در قالب عملیات‌های مذکور، ایران پله پله ضربات مهلکی را به رژیم صهیونیستی تحمیل کرد. اصلی‌ترین پیام ایران در قالب دو عملیات مذکور به رژیم اشغالگر قدس این بود که گنبد آهنین هیچ امنیتی برای این رژیم در برابر موشک‌های ایرانی ایجاد نمی کند. با این حال، اسرائیل این گزاره را مورد توجه نداد و ابهام این رژیم در مورد توانمندی‌های موشکی ایران سبب شد تا در عملیات وعده صادق ۳، شاهد خلق تصاویر آخرالزمانی از هنرنمایی موشک‌های ایرانی در سرزمین‌های اشغالی باشیم.

تقریباً از شمال تا جنوب اراضی اشغالی، ایران توانسته مراکز حساس و راهبردی را هدف قرار دهد و ویرانی‌های جدی را به بار آورد. جالب اینکه تنها در یک مورد بعتی هدف قرار دادن مرکز پژوهشی ویزمن، برخی رسانه‌های اسرائیلی نوشتند که ایران با ویران کردن این مرکز که خسارت ناشی از آن بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده به صورت یکجا انتقام ترور دانشمندان هسته‌ای و چهره‌های علمی خود را از رژیم صهیونیستی گرفت. حال

بسیاری از تئوریسین‌های نظامی و راهبردی در اراضی اشغالی این سوال را مطرح می کنند که اگر بنا باشد دور تازه‌ای از درگیری‌ها با ایران آغاز شود، آن‌ها باید انتظار چه شرایطی را داشته باشند که در قالب عملیات‌های وعده صادق ۳، ۲، ۱ و مخصوصاً ۳، آن را مشاهده نکرده‌اند.

برخی متابع غربی نظیر نشریه نیوزویک به تازگی به این مساله اشاره داشته‌اند که ایران به صراحت اعلام کرده که در صورت ماجراجویی جدید صهیونیست‌ها، دیگر پذیرای آتش بس نخواهد بود و به عملیات خود تا تبدیل شدن سرزمین‌های اشغالی به یک ویرانه ادامه خواهد داد. همین معادله عملاً صهیونیست‌ها و متحدان غربیشان را در موقعیتی مشوار و سرنوشت‌ساز قرار داده است و البته که این موضوع تاکید مجددی بر این است که ایران به معنای واقعی کلمه یک قدرت متطقه‌ای و تاثیرگذار است.

ویلزمن: برخی رسانه‌های اسرائیلی نوشتند که ایران با ویران کردن این مرکز که خسارت ناشی از آن بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده، به صورت یکجا انتقام ترور دانشمندان هسته‌ای و چهره‌های علمی خود را از رژیم صهیونیستی گرفت. حال

بسیاری از تئوریسین‌های نظامی و راهبردی در اراضی اشغالی این سوال را مطرح می کنند که اگر بنا باشد دور تازه‌ای از درگیری‌ها با ایران آغاز شود، آن‌ها باید انتظار چه شرایطی را داشته باشند که در قالب عملیات‌های وعده صادق ۳، ۲، ۱ و مخصوصاً ۳، آن را مشاهده نکرده‌اند.

برخی متابع غربی نظیر نشریه نیوزویک به تازگی به این مساله اشاره داشته‌اند که ایران به صراحت اعلام کرده که در صورت ماجراجویی جدید صهیونیست‌ها، دیگر پذیرای آتش بس نخواهد بود و به عملیات خود تا تبدیل شدن سرزمین‌های اشغالی به یک ویرانه ادامه خواهد داد. همین معادله عملاً صهیونیست‌ها و متحدان غربیشان را در موقعیتی مشوار و سرنوشت‌ساز قرار داده است و البته که این موضوع تاکید مجددی بر این است که ایران به معنای واقعی کلمه یک قدرت متطقه‌ای و تاثیرگذار است.

مکث

چرا نسل زد مهمانی خانوادگی را پس می‌زند؟

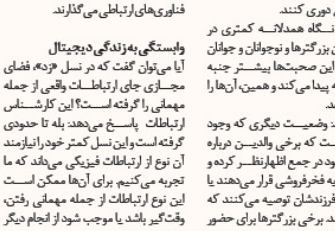

نسل جدید معروف به نسل زد (Z) ترجیح می‌دهد در خانه بماند، هدفون بگذارد و در شبکه‌های اجتماعی وقت بگذراند یا با دوستانش آنلاین گپ بزند. دیگر خبری از حضور پررنگ بچه‌ها در جمع‌های خانوادگی نیست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات، تا چند سال پیش، آخر هفته‌ها و تعطیلات و مناسبت‌های تقویم ایرانی، برنامه مشخصی برای خانواده‌ها داشت: مهمانی‌های خانوادگی و دورهمی‌های شلوغ که گاهی تا دو سه روز بی‌وقفه ادامه می‌یافت. این مهمانی‌ها یکی از جذاب‌ترین سرگرمی‌های بچه‌ها بود و شرایطی به وجود می‌آورد که بچه‌های فامیل و آشنایان در کنار یکدیگر به علایق خود بپردازند؛ البته علایقی که حد و مرز آن با اجازه بزرگترها تعیین می‌شد! اما حالا؟

نسل جدید معروف به نسل زد (Z) ترجیح می‌دهد در خانه بماند، هدفون بگذارد و در شبکه‌های اجتماعی وقت بگذراند یا با دوستانش آنلاین گپ بزند و اگر قصد داشت بیرون برود، اولویت و ترجیحش، کافه‌نشینی یا پاساژگردی و رفتارهایی از این دست با دوستان همسن و سالش است. دیگر خبری از حضور پررنگ بچه‌ها در جمع‌های خانوادگی نیست. حتما شما هم در شبکه‌های اجتماعی با ویدئوها و متن‌های بی‌شماری که با زبان طنز، حضور در جمع‌های خانوادگی را کسالت‌بار می‌دانند مواجه شده‌اید.

سؤالی که ذهن خیلی‌ها را درگیر کرده این است که چرا نسل زد از خانواده و مهمانی‌های خانوادگی فاصله گرفته؟ در این گزارش، یک متخصص ارتباطات و رسانه و یک کارشناس به واکاوی دلایل این فاصله‌گیری می‌پردازند.

جای خالی همدلی

عباس تقی‌زاده، کارشناس ارتباطات، روزنامه‌نگار، پژوهشگر و مدرس دانشگاه می‌گوید: به واسطه ارتباطاتی که با نوجوانان و جوانان داریم با آن‌ها درباره این که چرا ارتباطات اجتماعی یا تمایلشان به گفتگو با والدین کم شده و به مهمانی نمی‌روند زیاد صحبت کردیم.

حتی حدود ۱۰ سال پیش پژوهشی بر روی گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر کرمان انجام دادم و نتایج آن نشان داد که در طول شبانه‌روز، آن‌ها بسیار کم و در حد ۱۵ تا ۲۰ دقیقه با والدین خود گفتگو می‌کنند اما با دوستانشان، هم در مدرسه و هم خارج از مدرسه زمان بیشتری در ارتباط بودند. بنابراین، این موضوع یک پدیده جدید نیست و از یکی دو دهه پیش خود را نشان داده اما امروزه آن را بیشتر مشاهده می‌کنیم.

این نسل دوست دارند مستقل باشند و ارتباطاتی مانند مهمانی رفتن، استقلال آن‌ها را محدود می‌کند.

بسیار از آن‌ها شنیده‌ام که می‌گویند مهمانی‌های خانوادگی حس خوبی به ما نمی‌دهد، می‌گویند نگران سؤالاتی هستند که بزرگسالان می‌پرسند و از دید آن‌ها اغلب تجاوز به حریم خصوصیشان و درباره مسائلی است که دوست ندارند به اشتراک بگذارند. آن‌ها این نوع رفتارها در مهمانی‌ها را به دخالت در تصمیم‌گیری خود و حتی گاهی بازجویی تعبیر می‌کنند و همواره در تلاشند از آن دوری کنند.

در مجموع، نگاه همدلانه کمتری در گفتگوی بین بزرگترها و نوجوانان و جوانان می‌بینیم. این صحبت‌ها بیشتر جنبه نصیحت‌گونه پیدا می‌کند و همین، آن‌ها را فراری می‌دهد.

وی می‌افزاید: وضعیت دیگری که وجود دارد این است که برخی والدین درباره فرزند خود در جمع اظهارنظر کرده و حتی لو را مایه خفرفروشی قرار می‌دهند یا برعکس، به فرزندشان توصیه می‌کنند که ساکت باشد. برخی بزرگترها برای حضور نوجوانان و جوانان و کودکان در مهمانی‌ها، دستورالعمل‌های تحکمی و سخت صادر می‌کنند. هر مهمانی آدابی دارد ولی این نوع دستورالعمل صادر کردن موجب می‌شود آن‌ها استقلال عمل و نظر نداشته باشند. ضمن این که در مهمانی‌ها بزرگسالان عمدتا درباره مسائل سیاسی و اجتماعی صحبت می‌کنند که برای بچه‌ها جذاب نیست و همین آن‌ها را به حاشیه می‌راند.

نسل نظر و تعامل

شبکه‌های اجتماعی چگونه شکل تعاملات انسانی را به‌ویژه در نسل «زد» تغییر داده است؟

تقی‌زاده در پاسخ به این پرسش توضیح می‌دهد: برخی از ما تجربه زندگی بدون شبکه‌های اجتماعی را داریم و در واقع، به این پلتفرم‌ها مهاجرت کردیم ولی نسل کنونی در این شبکه‌ها زاده شده‌اند. ما تجربه زندگی با رسانه‌های جمعی را داریم که یکطرفه بود؛ جلو آن‌ها زانو می‌زدیم و به‌عنوان یک بزرگتر به آن‌ها نگاه می‌کردیم. این رسانه‌ها برای ما امری دست‌نیافتنی بوده و جذابیت زیادی هم داشتند ولی نسل جدید وقتی به دنیا آمدند، شبکه‌های اجتماعی وجود داشت و نوع دیگری از ارتباطات را در اختیار آن‌ها قرار داد.

ما ارتباطات بالا و پایین را تجربه کردیم و در سمت گیرنده و پایین بودیم ولی این نسل، رابطه تعاملی و برابر و چندسویه داشته و قدرت تعامل با دیگران، رد و بدل کردن محتوا و اظهارنظر را در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده است. بنابراین در روابط واقعی از جمله در مهمانی‌ها هم نظر می‌دهد، ایراد می‌گیرد و تعامل دارد که از نگاه بزرگترها که مهاجر دیجیتال هستند عملی عجیب است و اختلافاتی بین آن‌ها به‌وجود می‌آورد.

به هر روی، هر نوع از فناوری، چه خودرو باشد و چه ماشین‌آلات کشاورزی، بر سبک زندگی ما تأثیر دارد، بیشترین تاثیر را اما فناوری‌های ارتباطی می‌گذارند.

وابستگی به زندگی دیجیتال

آیا می‌توان گفت که در نسل «زد»، فضای مجازی جای ارتباطات واقعی از جمله مهمانی را گرفته است؟ این کارشناس ارتباطات پاسخ می‌دهد: بله تا حدودی گرفته است و این نسل کمتر خود را نیازمند آن نوع از ارتباطات فیزیکی می‌داند که ما تجربه می‌کنیم. برای آن‌ها ممکن است این نوع ارتباطات از جمله مهمانی رفتن، وقت‌گیر باشد یا موجب شود از انجام دیگر کارها باز بمانند.

حتی وابستگی به شبکه‌های اجتماعی هم در آن‌ها وجود دارد به گونه‌ای که وقتی به مهمانی می‌آیند باز هم اتصال و حضورشان در فضای دیجیتال را حفظ می‌کنند. این نسل، به نوعی دوزیست هستند و تجربه و زیست دو فضایی دارند، والدین اما اغلب تمایل دارند فرزندانشان صد درصد در فضای واقعی حضور داشته باشند.

دکتر تقی‌زاده می‌گوید: البته این نسل که چندان اهل ارتباطات فیزیکی و مهمانی به شیوه نسل‌های پیشین خود نیستند، با دوستان و همنسلان خود ارتباطات حضوری دارند و قرار می‌گذارند. ما در خانه و پارک و در قالب یک مهمانی با ادابی خاص یکدیگر را ملاقات می‌کنیم ولی آن‌ها در محیط‌های مدرن‌تر مثلا در کافه‌ها همدیگر را می‌بینند. محل قرار، نوع پذیرایی و پوشش آن‌ها در این ارتباطات تحت‌تأثیر شبکه‌های اجتماعی بسیار با نسل قبل متفاوت است.

ارتباطات انتخابی

شیرین امین، روان‌شناس و مشاور خانواده با بیان این که روابط مجازی و آنلاین، بخش زیادی از نیاز نسل «زد» به ارتباط را برآورده می‌کند و حضور فیزیکی در جمع‌های خانوادگی کمتر برایشان اولویت دارد، می‌گوید: این نسل بیشتر به ارتباطات انتخابی و کنترل‌شده و کمتر به ارتباطات سنتی که مبتنی بر وظیفه و الزام اجتماعی است گرایش دارد.

مثلا این موضوع که به آن‌ها بگوییم باید به مهمانی خانه فلان فرد برویم، چون بزرگتر فامیل است، برای آن‌ها معنادار نیست و پایبند این نیستند که صرفا به دلیل باید و نبایدهایی که وجود دارد خود را به حضور در جمعی که نمی‌پسندند مجبور کنند.

ضمن این که این نسل، آگاهی بیشتری از هویت شخصی و مرزبندی‌های فردی دارد و در جمعی قرار نمی‌گیرد که قرار است قضاوت شود یا سؤالات شخصی از جمله آن که این چه لباسی است پوشیدی یا چرا فلان رشته را انتخاب کردی و امثال این‌ها مطرح شود.

درباره این که این تغییرات خوب است یا بد، پاسخ مطلقی وجود ندارد، چرا که تغییر در سبک زندگی و روابط و تعاملات اجتماعی، جنبه‌های منفی و مثبتی دارد. مثلا این که بچه‌های نسل زد به روابط مجازی با همسالان تمایل بیشتری دارند، در بلندمدت موجب می‌شود ارتباطات عاطفی آن‌ها کمرنگ شود و حتی از بین برود. ضمن این که اگلوپذیری مناسب و انتقال تجربه و راهنمایی که همیشه بین نسل‌ها اتفاق می‌افتاده بطور جدی آسیب می‌بیند و دیگر گوش شنوایی برای تجربه بزرگترها وجود ندارد.

علاوه بر این که بعد عاطفی روابط آسیب می‌بیند، بعد فیزیکی نیز صدمه خواهد دید و گاهی پیش می‌آید چهره کاملا از خانواده فاصله گرفته و با آن‌ها قطع ارتباط می‌کند. در صورت از دست رفتن کیفیت رابطه عاطفی و فیزیکی با خانواده، نوجوان یا جوان یک منبع مهم حمایت عاطفی در شرایط بحرانی مثل سوگ عزیزان را از دست می‌دهد. البته این که این نسل برای خود حق انتخاب قائل هستند و در جمع‌های که دوست ندارند شرکت نمی‌کنند فواید هم دارد، مثلا در بسیاری مواقع از تنش‌ها و دلخوری‌ها جلوگیری می‌شود، ضمن این که فراموش نکنیم فاصله گرفتن از خانواده لزوما به معنای انزواطلبی نیست، بلکه می‌تواند موجب شکل‌گیری جمع‌های دوستانه و کارآمد شود.

درک فرزندان

برخی از خانواده‌ها از این تغییر ناراضی هستند و احساس طردشدگی می‌کنند. آیا این احساسات به‌جاست؟ خانواده‌ها چه‌باید بکنند؟

دکتر امین در پاسخ به این پرسش می‌گوید: مهم‌ترین مسأله آن است که خانواده‌ها این بچه‌ها را درک کرده و از سرزنش و نصیحت کردن خودداری کنند و بدانند شاید فرزندشان از جمع‌های خانوادگی فاصله بگیرد ولی کیفیت ارتباط او با پدر و مادر بسیار اهمیت دارد و این که با سرزنش و سایر رفتارهای مخرب، این ارتباط را مخدوش کنند به مرور به یک آسیب جدی تبدیل می‌شود. پدرومادرها باید به بچه‌ها حق انتخاب بدهند و اگر جمعی هست که مثلا با پرسیدن سؤالات شخصی باعث آزار فرزندشان می‌شود برای حضور در آن جمع اصرار نکنند. اگر در این مورد قاطعیت داشته باشند به مرور فامیل و اطرافیان این رفتار را خواهند پذیرفت. وقتی کسی هربار می‌پرسد چرا دختر یا پسرت به مهمانی نیامد، نیاز نیست دروغی بگویند، بلکه خیلی قاطعانه و محترمانه بگویند دوست نداشت بیاید یا برنامه‌های خودش را داشت. در این صورت دیگران به مرور متوجه خواهند شد که این بچه حق انتخاب دارد و نباید غیبت او در مهمانی را به‌عنوان یک رفتار بد تلقی کنند.

برش

چرا ایران در خود جسارت تغییر نظم جهان را می‌بیند؟

اراده ایران برای تأثیرگذاری بر ساختار نظم جهانی، آرمانی دست‌نیافتنی و موضعی کوبرکوراه و افراطی نیست، بلکه برآیند منطقی خودآگاهی تاریخی و تمدنی عمیق آن است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، موضع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت بازنگری در نظم مستقر جهانی که غالبا به عنوان گزاره‌ای ایدئولوژیک (در معنای جملی منفی) تلقی می‌شود، در واقع ریشه در منطق راهبردی‌ای دارد که از حافظه تاریخی و خودآگاهی تمدنی متمایز نشأت می‌گیرد. پرسش کلیدی این است: چه متغیرهایی ایران را به اتخاذ چنین رویکرد دشواری برابر ساختار تثبیت‌شده قدرت جهانی سوق می‌دهد و چرا ایران نمی‌تواند همانند برخی کشورهای دیگر از این افق دشوار و البته ممکن چشم بپوشد؟ پاسخ در درک چارچوب هویتی ایران نه به عنوان «دولت-ملت» در مفهوم وستفالیایی آن، بلکه به مثابه یک «دولت-تمدن» نهفته است.

چگونه «ذهنیت تمدن‌ساز» عمق راهبردی ایران را تعریف می‌کند؟

ذهنیت حاکم بر نخبگان و لایه‌های عمیق فرهنگی ایران، متأثر از الگوهای تاریخی مشخصی است که جایگاه این واحد سیاسی را در تعامل با قدرت‌های جهانی تعریف کرده است. بر اساس تحلیل برخی مورخان، امپراتوری هخامنشی صرف‌نظر از جنبه‌های نظامی، نخستین مدل موفق از یک ساختار سیاسی فراگیر و البته غیرسلطه‌جو را ارائه کرد که بر مدیریت تنوع فرهنگی و مدارا استوار بود. این تجربه، معیار و استانداردی از نقش‌آفرینی در مقیاس جهانی را در حافظه تاریخی ایران ثبت کرده است.

برای قرون متمادی، جهان شاهد موازنه قوا میان ۳ ابرقدرت زمان، ایران (دورهای اشکانی و ساسانی) و روم بود. این رقابت طولانی، الگوی تعامل و تقابل «برابر» با دیگر قطب‌های اصلی قدرت را به اصلی بدیهی در فرهنگ راهبردی ایران بدل کرد. این الگو، پذیرش جایگاهی فرودست در سلسله‌مراتب بین‌المللی را مشروعیت می‌کند.

دوره صفویه نمونه‌ای کلیدی از توانایی ایران برای احیای قدرت مرکزی پس از قرون متمادی فترت است. اهمیت راهبردی این دوره، در تلفیق موفقیت‌آمیز اقتدار سیاسی با هویت متمایز شیعی بود.

این امر، به هویت ایرانی لایه‌ای ایدئولوژیک بخشید که ظرفیت بسیج‌کنندگی بالایی داشت و ایران را بار دیگر به عنوان قطب قدرت مستقل و تأثیرگذار برابر امپراتوری عثمانی و قدرت‌های اروپایی مطرح کرد. این دوره، توانایی ذاتی ایران برای «بازتعریف خود» در شرایط نوین جهانی را به اثبات رساند. حتی پس از تحولات بنیادین مانند ورود اسلام، ایران به جای انفعال، نقشی محوری در توسعه فکری و اداری تمدن اسلامی ایفا کرد. این توانایی در جذب، پردازش و صدور مجدد دانش و فرهنگ، این باور را تقویت می‌کند که جوهره ایرانی، جوهره تولیدکننده و تمدن‌ساز است نه صرفاً مصرف‌کننده.

کنش‌های جهانی ایران چگونه معنادار می‌شود؟

این حافظه تاریخی از طریق چند مؤلفه کلیدی به راهبرد عملی ترجمه می‌شود. زبان فارسی فراتر از ابزار ارتباطی، حامل جهان‌بینی و خالق حوزه‌ای تمدنی است که عمق استراتژیک فرهنگی ایران را ورای مرزهای سیاسی آن گسترش می‌دهد. تأکید بر «خرد» در فلسفه و ادبیات ایرانی، مشوق نگاه کلان و بلندمدت است.

از این منظر، اراده برای تغییر نظم جهانی صرفاً کنش سیاسی زودگذر یا خواستی هیجانی نیست، بلکه نتیجه تحلیل راهبردی تاریخ آمدی و بی‌عدالتی ساختار کنونی تلقی می‌شود.

هویت سیاسی بویژه پس از عصر صفوی، چارچوب ایدئولوژیک منسجمی را برای نظریه سیاست خارجی فراهم کرده است. مفاهیمی چون «عدالت‌محوری» و «مقابله با ظلم» که در ۲ آموزه انتظار و حماسه عاشورا متبلور است، به روشنی به دکترین سیاسی «هُبّی سلطه» (استکبارستیزی) ترجمه می‌شود و به کنش‌های ایران در عرصه جهانی مشروعیت و معنای ایدئولوژیک می‌بخشد و در واقع آنها را به زبان «جهانی» ترجمه و منعکس می‌کند.

«سطح تحلیل» است که بلندی «سقف راهبردها» را مشخص می‌کند

با توجه به این چارچوب، تلاش برای تحلیل رفتار ایران از طریق مقایسه آن با مدل‌های توسعه در کشورهایی نظیر قدرت‌های نوظهور آسیایی به نتایج نادرستی منجر می‌شود. اگر ایران ادعای تغییر نظم جهانی را دارد به این خاطر است که با آنتاگ به هویت تاریخی‌اش، خود را یکی از مدعیان تصمیم‌گیری برای جهان می‌داند و این گزاف نیست. مساله اصلی، تفاوت در «سطح تحلیل» و «سقف راهبردها» است.

کشورهای مورد اشاره، هویت و اهداف خود را عمدتاً در چارچوب دولت-ملت مدرن و توسعه اقتصادی تعریف می‌کنند اما برای ایران، حتی دستیابی به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای، نه هدف غایی که فروکاست نقش جهانی‌اش است.

تحلیل‌گرانی که با ابزارهای سنجش «دولت-ملت» و «دولت-تمدن» ایران را ارزیابی می‌کنند، در درک منطق حاکم بر تصمیمات راهبردی جمهوری اسلامی ایران دچار خطا خواهند شد.

اراده ایران برای تأثیرگذاری بر ساختار نظم جهانی، آرمانی دست‌نیافتنی و موضعی کوبرکوراه و افراطی نیست، بلکه برآیند منطقی خودآگاهی تاریخی و تمدنی عمیق آن است. فهم این منطق درونی، پیش‌شرط هرگونه تحلیل واقع‌بینانه از رفتار سیاست خارجی ایران و پیش‌بینی کنش‌های آتی آن در صحنه بین‌المللی است.